

چالش‌های (ساختاری-هویتی) تمدن نوین اسلامی و نقش ایران در کاهش و رفع آن

محسن فرمهبینی فراهانی^۱، حمید احمدی هدایت^{۱*}، سعید صحابت انور^۳ و مصطفی کریمی^۴

^۱ دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد

^۲ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد

^۳ کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

^۴ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد

*Email: Teacher67@gmx.com

چکیده

تمدن نوین اسلامی بر آن است که با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و همچنین بهره‌مندی از دستاوردهای تمدن بشری، به ایجاد تمدنی نوین بپردازد که بتواند تمامی جنبه‌های تمدن مدنی را دربرداشته باشد. از آنجایی که برای حرکت تمدن نوین اسلامی در مسیر صحیح، چالش‌هایی نظیر عدم پیروی از رهبری واحد، فرهنگ مهاجم غربی و اختلاف افکنی در میان مسلمانان، موانعی چون مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان و عدم توجه به عقلانیت دینی و غیره... وجود دارد. لذا جهت کاهش و رفع این چالش‌ها می‌بایستی تدابیر و برنامه‌های اصولی اتخاذ گردد، توجه به نقش رهبران دینی، فکری، فرهنگی و گروه‌های مرجع و نخبگان در هدایت مردم راهکار اصلی فرهنگ‌سازی در جامعه و مقابله عملی با مشکلات و موانع پیش روی تمدن نوین اسلامی است. از سوی دیگر ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بدون تردید ام‌القرای جهان اسلام شده است، و با تشکیل حکومت اسلامی، دارای دو شأن رهبری مردم ایران و امت اسلامی گردید. و شایسته است جمهوری اسلامی ایران با توجه به مولفه‌های بی‌نظیر خود بتواند در کاهش و رفع چالش‌های تمدن نوین اسلامی و ایجاد و تحکیم تمدن نوین نقش ارزنده خود را ایفاء نماید. لذا هدف پژوهش حاضر بررسی چالش‌های ساختاری-هویتی پیش روی تمدن نوین اسلامی و نقش بی‌بدیل، تاثیرگذار و کلیدی ایران در کاهش و رفع این چالش‌ها بوده، که به روش کتابخانه‌ای (اسنادی) به این موضوع پرداخته است.

کلید واژه‌ها: تمدن نوین اسلامی، چالش، ایران

مقدمه

انقلاب اسلامی و پیروزی آن در سال ۱۳۵۷ نه تنها علیه یک نظام مستبد و پوسیده، یعنی سلطه تاریخی دودمان‌های سلطنتی برپا گردید، بلکه به دلیل ماهیت اسلامی خود و برخورداری از اهداف و آرمان‌های جهان‌شمول، مبارزه جدی با نظم سلطه‌گرانه بین‌المللی را مورد توجه و تأکید قرار داد. انقلاب اسلامی ایران با ویژگی‌های دینی و منحصر به فرد خود، الهام‌بخش و نویددهنده ایجاد تمدنی نوین برای دنیای معاصر گردیده است. از یکسو دین مبین اسلام، که جامع و همه‌جانبه‌نگر و مبتنی بر خدامحوری در مقابل انسان‌محوری تمدن ظالم غربی است، مبنای این انقلاب بوده و آرمان‌های انقلابی ناشی از آن نیز همه‌جانبه و جامع است [۱]. در حالی که در هر یک از انقلاب‌های معاصر، آرمان یا ایدئولوژی انقلابی را تنها یکی از موارد آزادی، برابری، استقلال یا توسعه تشکیل می‌دهد، انقلاب اسلامی ایران همه این موارد را در چارچوب خدامحوری (با تأکید بر اصل ولایت فقیه) مورد توجه قرار داده است. از سوی دیگر، انقلاب اسلامی ایران، بیرون از تمدن غربی اتفاق افتاده است؛ برخلاف انقلاب‌هایی مانند روسیه (۱۹۱۷) یا چین (۱۹۴۹) که درون‌تمدنی هستند. طبعاً انقلاب اسلامی یک چالشگر برون‌تمدنی برای تمدن غربی است و خود نویدبخش تمدنی نوین و در راه است و در تمدن غربی مستحیل نمی‌شود. لذا ملاحظه می‌گردد تقابل جدی بین انسان‌محوری (اومانیزم) با خدامحوری که اولی در تمدن غرب و دیگری در تمدن اسلامی نمود یافته مشاهده می‌گردد، تمدن غرب با بهره‌گیری از اهرم علم، تبلیغات و قوای نظامی و سایر ابزار دیگر چالش‌ها و موانع متعددی در ایجاد تمدن نوین اسلامی ایجاد نموده، لذا با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به روند شکل‌گیری این تمدن خون تازه‌ای تزریق شده و داشتن منافع مشترک بین کشورهای اسلامی و نقش ارزنده ایران در رفع و کاهش چالش‌ها موثر می‌باشد.

بیان مساله

تمدن نوین اسلامی که جوانه‌های شکوفایی آن با انقلاب اسلامی ایران پدیدار گردید، در سال‌های اخیر با بروز جنبش‌ها و قیام‌های مردمی در میان ملت‌های مسلمان جهان که با نام بیداری اسلامی شناخته شده است روندی رو به رشد به خود گرفته است. با الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران و مشاهده پیشرفت‌های شگرفی که با اتخاذ نگرشی نوین در فرایند تمدنی جهان صورت گرفته است، جرقه‌های بازیابی شوکت و عظمت گذشته تمدن اسلامی زده شده است. با توجه به عدم اقتناع فکری و فرهنگی بشر از طریق پیروی و بهره‌گیری از تمدن‌های موجود و رویکرد و اقبال گسترده و روزافزون جوامع بشری به اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی که موجبات نگرانی دولت‌های غربی را نیز فراهم نموده است، لزوم هوشیاری و توجه دقیق در مساله ایجاد، پرورش و گسترش تمدن نوین اسلامی بیش از پیش نمایان است و توجه به نقش موثر ایران در این زمینه بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

تمدن نوین اسلامی سعی بر آن داشته است که با بهره‌گیری از ابزارها، مواهب و دستاوردهای مفید تمدن بشری، به ایجاد تمدن نوین اسلامی بپردازد که بتواند تمامی جنبه‌های تمدنی را در برداشته باشد. فرهنگ‌های جاری جوامع، توسعه امکانات

ارتباطی و آسیب‌های آن، گروه‌های فکری- اجتماعی مختلف و نیز رویارویی تمدن‌های مستقر جهانی با فرایند تمدن‌سازی نوین اسلامی، باعث بروز چالش‌ها و موانعی بر سر راه این تمدن گردیده است. برای وصول به هدف حرکت تمدن نوین اسلامی در مسیر صحیح خود، ضروری است بررسی گردد که: مهم‌ترین چالش‌های (ساختاری- هویتی) پیش روی تمدن نوین اسلامی چیست؟ مولفه‌های تحقق تمدن نوین اسلامی چیست؟ نقش ایران در کاهش و رفع این چالش‌ها چگونه است؟

روش پژوهش

از آنجا که در این پژوهش، اطلاعات و داده‌ها از طریق مطالعه و خواندن مواد چاپ شده از قبیل کتب و اسناد و مدارک و مقالات موجود در کتابخانه‌ها و اینترنت و جمع‌آوری خواهند شد، روش انجام تحقیق در این پژوهش کار پشت میزی یا کتابخانه‌ای می‌باشد. از سوی دیگر چون تجزیه و تحلیل اطلاعات در اشکال مختلف غیر کمی یا غیر مقداری هستند و مداخله کنترلی از سوی محقق اعمال نخواهد شد، روش تحقیق متمایل به روش توصیفی و کیفی است. در این صورت روش این پژوهش، کتابخانه‌ای - تحلیلی است. پژوهش تحلیلی، پژوهشی است که بر اساس آن، اطلاعاتی که از طریق بررسی اسناد، مدارک و کتاب به دست آمده است، به گونه‌ای سامان‌دهی می‌شود که به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده شود [۲]. جامعه آماری پژوهش شامل موارد زیر است: کتاب‌های موجود در کتابخانه‌ها و مراکز تحقیقاتی؛ پایان‌نامه‌ها، مقالات و نشریات مرتبط با موضوع.

تعریف تمدن و چالش

برای «تمدن» تعاریف گوناگونی ارائه شده است. پیش از ارائه بعضی از این تعاریف، این نکته را باید در نظر داشت که «تمدن» مفهومی بدیع و نسبتاً جدید است و در طول سده‌های اخیر، دچار تحول مفهومی نیز شده است. با وجود این، با در نظر داشتن نکته مزبور، این واژه از منظر بعضی از اندیشمندان مغرب‌زمین و گروهی از متفکران مسلمان، مورد بررسی قرار می‌گیرد. ویل دورانت تمدن را این‌گونه تعریف می‌کند: «تمدن نظامی است اجتماعی که موجب تسریع دستاوردهای فرهنگی شده و به‌منظور بهره‌گیری از اندیشه‌ها، آداب و رسوم و هنر، دست به ابداع و خلاقیت می‌زند. نظامی است سیاسی که اخلاق و قانون، نگهدارنده آن می‌باشد و نظامی است اقتصادی که با تداوم تولید، پایدار خواهد ماند.» ساموئل هانتینگتون، متفکر آمریکایی «تمدن» را بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به‌شمار می‌آورد [۳].

هنری لوکاس «تمدن» را پدیده‌ای به‌هم‌تنیده می‌داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را در بر می‌گیرد. از نظر آرنولد توین بی، «تمدن» حاصل نبوغ اقلیت مبتکر و نوآور است. یعنی در جامعه، طبقه ممتازی وجود دارد که واجد نبوغ و ابتکار و نوآوری است و در اثر تحولات و سیر تکامل جامعه، تمدن را پدیدار می‌نماید [۳]. اگر بخواهیم به شکل ریشه‌ای به ایجاد یک تمدن اسلامی نگاهی بیندازیم، باید آن را در لابه‌لای آیات قرآن کریم جست‌وجو کنیم. در این

کتاب اسلامی، بارها از واژه امت و لزوم همبستگی مسلمانان در مقابل کفار نام برده شده است. تمدن اسلامی از دعوت در مکه آغاز شد و با تشکیل حکومت در مدینه پا گرفت؛ یعنی مکانی که حکومت اسلامی با شهرنشینی همراه شد. در سال‌هایی که مسلمانان در مکه بودند، قریش با کوشش فراوان، مردم را از گرویدن به اسلام باز می‌داشت و مشرکان مکه از آزار نومسلمانان دریغ نمی‌کردند.

«چالش» به مشکلات بزرگ و بغرنجی گفته می‌شود که در مسیر یک جریان یا حرکت ایجاد می‌شود و مقابله با آن‌ها و حل مشکل با دشواری‌های زیادی روبروست. چالش می‌تواند از سوی هر دو نوع عوامل دورنی و بیرونی ایجاد گردد [۴].

یافته‌های پژوهش

چالش‌های پیش روی تحقق تمدن نوین اسلامی در بعد ساختاری

۱- عدم پیروی از رهبری واحد: هرگونه حرکت اجتماعی و فرهنگی در حال شکل‌گیری، برای جلوگیری از تشتت و چندگانگی در مسیر حرکت، نیازمند آن است که از مبدا واحدی هدایت و راهبری گردد. متأسفانه دین اسلام به شاخه‌های گوناگونی تقسیم شده و اعتقادات این شاخه‌ها گاه به علت کج‌فهمی از اسلام، به تعارض آرا نیز تبدیل گشته است. از این رو، در حال حاضر و با توجه به اعتقادات گروه‌های اسلامی افراطی و تکفیری، این مشکل همچنان پابرجا خواهد ماند، زیرا که آن‌ها اعتقادات شیعیان را نوعی کفر قلمداد کرده و هرگز حاضر نخواهند بود با آن‌ها تحت یک لوا و تمدن مشترک زیست داشته باشند [۵].

۲- تهاجم فرهنگی غرب: تهاجم فرهنگی از جمله مهم‌ترین چالش‌ها در روند استقرار تمدن نوین اسلامی در جامعه است. فرهنگ و تمدن غربی با تکیه بر ابزارها و امکاناتی که در قرون اخیر بدان دست یافته در تلاش است که بتواند سیطره فرهنگی خود را بر تمام جوامع بشری افکند. بدین روی، تمدن غربی در تلاش است فرهنگ مادی صرف که همه چیز را در مادیات و منافع دنیوی می‌بیند در تمام جوامع تبدیل به فرهنگ غالب نموده و راه را بر هر نوع بدیلی ببندد. چالش جدی تمدن نوین اسلامی، در تقابل با این تهاجم فرهنگی و بیرون راندن آن از لایه‌های مختلف اجتماع است. با توجه به تلاش‌های فراوانی که غرب در حداقل صدساله اخیر در راستای گسترش فرهنگ خود در سطح جهانی نموده، توانسته است از طرق مختلف، موفقیت‌های فراوانی را کسب کند. رواج فرهنگ مصرف‌گرایی و تجمل در جوامع، از جمله نتایجی است که در اثر این تلاش‌ها ایجاد شده است [۴].

۳- اختلافات قومی بین مسلمانان: جدا از اختلافات مذهبی بین مسلمانان، در هریک از کشورهای مسلمان، گروه‌های قومی متفاوتی وجود دارد که بعضاً قومیت خود را به شکل متعصبانه قبول داشته و حاضر نیستند از اصول خود برای تحقق یک تمدن مشترک کوتاه بیایند. این مسئله به‌ویژه در لبنان، سوریه و عراق که دارای قومیت‌های مختلف هستند، نمود بیشتری دارد [۶].

بررسی ریشه‌ای انقلاب اسلامی حاکی از ایجاد دو دستاورد عمده و اساسی برای جنبش‌های اسلامی در سطح منطقه است

که عبارت‌اند از:

الف) طراحی، شکل‌دهی، رهبری و به پیروزی رساندن یک انقلاب به نام اسلام و بر اساس بنیادها و الگوهای جنبش‌های اسلامی.

ب) تشکیل جامعه و حکومت اسلامی بر پایه آموزه‌ها، ارزش‌ها و اصول همان جنبش‌های اسلامی (تأسیس جامعه نمونه). و این هر دو یعنی آشکار کردن توانمندی‌ها و برجسته ساختن توانایی‌های گفتمان اسلام سیاسی و اسلام در حوزه سیاست و اجتماع و این به مثابه اسلامی است که هم انقلاب‌ساز و هم حکومت‌ساز است و ما شاهد اوج‌گیری این توانمندی‌ها در گفتمان بیداری اسلامی و در موج سوم آن در کشورهای منطقه هستیم و این همان چیزی است که غرب را به طراحی پروژه اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی وادار کرده است. آمریکا، به‌عنوان اصلی‌ترین دشمن انقلاب اسلامی ایران، در خلال سه دهه گذشته پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش کرده است انقلاب اسلامی ایران را مترادف با جریان‌های انحرافی و افراطی و تروریستی در پوشش گروه‌های اسلامی، نظیر گروه طالبان و جریان تروریستی القاعده، نشان دهد که این توطئه با هدف تخریب وجهه مترقی و عدالت‌خواهانه انقلاب اسلامی صورت گرفته است. این در حالی است که با کمک به ظهور جریان‌های فوق، سعی نمودند از آن‌ها در بدنام‌سازی جهان اسلام بهره‌جویند. چنین تحولاتی را می‌توان از جمله تبعات و آثار مستقیم یا غیرمستقیم احیای هویت اسلامی دانست که سرآغاز آن انقلاب اسلامی ایران بوده است.

رشد گروه‌های متحجر و افراطی در جهان اسلام حیثیت و امنیت جهان اسلام را به خطر انداخته است. در واقع، گرچه بخشی از امت اسلام در اثر انقلاب اسلامی، بیدار شده‌اند و برای قیام علیه وضعیت نامطلوبی که بر اثر سلطه‌گری‌های ظالمانه غرب در جهان ایجاد گردیده‌اند، آماده هستند؛ اما تاکنون برای مدیریت این ظرفیت، هیچ‌گونه راهکار صحیحی ارائه نگردیده است و لذا بسیاری از این افراد جذب گروه‌های افراطی شده‌اند و این فرآیند همچنان تداوم دارد.

۴- مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان: وضعیت اقتصادی و معیشتی جامعه مسلمانان همواره دغدغه اصلی متولیان و آحاد مردم بوده است. در واقع در صورتی که این مؤلفه با مشکل روبه‌رو شود، تأثیر فراوانی بر سایر جنبه‌های مادی و معنوی جامعه خواهد گذاشت. همان‌طور که می‌دانیم، تقریباً تمامی کشورهای مسلمان از عدم توسعه پایدار رنج می‌برند و جزء کشورهای در حال توسعه محسوب می‌گردند. اگرچه برخی از کشورهای عربی، ترکیه و جمهوری اسلامی ایران، طی سال‌های اخیر توانسته‌اند به جلو حرکت کنند، اما اقتصاد این کشورها همچنان دچار مشکلات عدیده است که مستلزم دگرگونی در اقتصاد رانتی و مسائل مرتبط با آن است [۵].

۵- عدم اعتقاد به عقلانیت دینی: یکی از مشکلات مسلمانان که در قرن بیست و یکم نمود بیشتری پیدا کرده این است که آن‌ها به نوعی در فرهنگ مادی‌گرایانه غرب غرق شده‌اند و عقلانیت را به عقلانیت ابرازی تقلیل داده‌اند و جایگاهی برای عقلانیت دینی قائل نیستند. از این رو، با توجه به فقدان این اعتقاد، می‌توان به این چالش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع ریشه‌ای در مبانی اندیشه‌ای تحقق تمدن اسلامی اشاره کرد [۶].

۶- مقابله غرب با جهان اسلام: خصومت غرب و اسلام سوابق تاریخی بی‌شماری دارد؛ به طوری که می‌توان گفت که فتوحات تاریخی اسلامی، مرزها را در هم نوردید و حوادث ناشی از آن، مانند در هم شکستن کاروان‌های نظامی روم و انهدام مراکزشان در زیر گام‌های سربازان مسلمان، نخستین تجربه‌های دردناکی بود که غرب در رابطه‌اش با جهان اسلام، با آن رویارو می‌شد. همین تجربه‌ها بود که بذر ترس از اسلام را در ذهنیت غربی کاشت و موجب پرورش گرایش منفی در آن گردید که بر رابطه‌اش با جهان اسلام حاکم شد. به طور کلی می‌توان گفت مجموعه جنگ‌های تاریخی، گسترش اسلام و تشکیل جوامع اسلامی در بسیاری از مناطق، که تهدیدی برای حاکمیت مسیحیت بر سرزمین‌های خود به شمار می‌آمد، افزایش تعداد مسلمانان در این نوع جوامع، تفاوت نگاه دین‌ها به حقایق و برخورد میان ادیان و رد نظرات مسیحیان توسط اسلام، مجموعه عواملی هستند که تاریخ ناآرام این دو قطب را تشکیل داده و اسلام را به عنوان تهدیدی برای هویت غرب معرفی کرده است و بدون شک، غرب به رهبری ایالات متحده، در مقابل شکل‌گیری قطب قدرت واحد از طرف مسلمانان، ساکت نخواهد نشست. شاید این معضل، بزرگ‌ترین چالش پیش روی این تمدن باشد [۷].

۷- طغیان مادی‌نگری در تفکر جامعه: مادی‌نگری از آثار مخربی است که تمدن غرب بر جوامعی که بر آنها تسلط پیدا می‌کند جاری می‌نماید. تفکرات صرفاً مادی و بر پایه منافع شخصی که چهره ویژه‌ای در مکاتب سیاسی و اجتماعی غرب دارد با گسترش در میان مسلمانان چالش بزرگی را در میان اقوام و جوامع مسلمان ایجاد نموده است. نگاه مادی غالب در تفکر تمدن غرب با امکانات نظامی که در اختیار مستکبران قرار داده است در تعارض جدی با دستورات و تعالیم اسلام قرار دارد. این تفکر و رویکرد باعث شده است که تلاش مردمان نه بر رفع مشکلات و حوائج اقتصادی، بلکه بر ثروت‌اندوزی و تجمل‌گرایی و تکیه و توجه به منافع شخص و مادی متمرکز گردد و مهمترین مشکلی که ایجاد خواهد نمود جلوگیری از جاری شدن فرهنگ اصیل اسلامی و به تبع آن ایجاد مانع در تشکیل تمدن نوین اسلامی خواهد شد [۸].

۸- انحراف و کج فهمی در گروه‌های مرجع: گروه‌های مرجع در جوامع از اهمیت فراوانی در عرصه فرهنگ سازی و ایجاد مدنیت نوین برخوردار می‌باشند. هرچه این گروه هابتر و بیشتر در مسیر صحیح و اسلامی حرکت کنند تمدن سازی نوین اسلامی بادقت و سرعت بالاتری صورت خواهد گرفت. به یقین یکی از راهها و راهبردهای اساسی مبارزه با تهدیدهای فرهنگی و مقابله با هجمه تمدنی و فرهنگی دنیای غرب، تأکید بر روی هویت و اصالتها و ارزشهای دینی جوامع اسلامی و بالتبع تجدید اعتلای تمدن اسلامی می‌باشد، علی‌الخصوص برای نسل‌های جوان و نیز نخبگان و تحصیل کردگان جامعه که به عنوان گروه‌های مرجع شناخته شده اند. انحراف و غرب زدگی در میان این طبقه از جامعه منجر به ایجاد انحراف و دور شدن از اهداف و آرمان‌های تمدن نوین اسلامی خواهد شد [۹].

چالش‌های پیش روی تحقق تمدن نوین اسلامی در بعد هویتی

بدون تردید، هویت اسلامی در طول تاریخ با چالش‌های مختلفی مواجه گشته است و هر کدام از آنها نیز تأثیرات خاص اما

محدود خود را بر هویت اسلامی گذارده‌اند. سرآغاز چنین تأثیراتی را می‌توان در خود صدر اسلام جست‌وجو نمود که با ارتحال پیامبر گرامی اسلام و در فرآیند عادی شدن اقتدار فرهنگ پیاپی (ص) در نگرش غالب سنی، عناصری از سنن جاهلی در وضعیت بازگشت قرار گرفتند، رویارویی تمدن اسلامی با تمدن‌هایی دیگر چون تمدن ایران باستان و یونان باستان و بعدها تهاجم مغول به جهان اسلام از دیگر چالش‌هایی است که در گذر تاریخ گریبان‌گیر هویت اسلامی شده است [۱۰].

اما اساسی‌ترین چالش رابرای فرهنگ و هویت اسلامی می‌بایست در تهاجم فراگیر و همه‌جانبه غرب مدرن به جهان اسلام جست‌وجو کرد. برخلاف مهاجمان پیشین، غریبان هرگز همچون مغولان نوآموزان مستعدی برای فرهنگ و تمدن اسلامی در نیامده، بلکه اساس فرهنگ و تمدن اسلامی را به چالش کشیدند. برخی به‌درستی بر ویژگی دو چالش معاصر برای فرهنگ و تمدن اسلامی اشاره کرده‌اند. این دو چالش انحطاط تمدن اسلامی و نیز تهاجم فراگیر دنیای غرب مدرن به جهان اسلامی است [۱۱].

چنین چالشی سبب گردید تا بخش تحصیل‌کرده و فرهیخته جهان اسلام در راه نهایی بودن اسلام به تردید بیفتد و حتی برخی راه‌حل نهایی را نه در اسلام، بلکه در پیروی از تمدن و فرهنگ غربی جست‌وجو کنند. به‌طور کلی، مقوله هویت اسلامی در سطح جهان اسلام با چالش‌هایی روبه‌روست که عدم رسیدگی به آن موجب انحطاط هرچه بیشتر آن خواهد شد. در بخش زیر، به مهم‌ترین چالش‌های پیش روی شکل‌گیری و تثبیت هویت اسلامی اشاره خواهد شد

۱- ایده‌های غربی و عدم حل بحران‌های کلیدی در منطقه

غرب احیای هویت اسلامی را خطر جدیدی پس از افول خطر بلوک شرق، پیشروی خود احساس نمود. تحولات اواخر قرن بیستم و بحران‌های درونی در مدرنیسم غربی و ظهور جریان در حال گسترش تفکر پسامدرن و نیز پدیده جهانی شدن چنین وضعیتی را برجسته‌تر و حادثه‌تر نموده است. چنین تحولاتی سبب گردید که آمریکاییان به‌عنوان مدعیان رهبری دنیای غرب از خطر جدید اسلامی در پی شکست بلوک شرق در جنگ سرد سخن گویند و ایده‌هایی چون برخورد تمدن‌ها را مطرح سازند. غرب و در رأس آن، ایالات متحده طرح‌هایی را مد نظر قرار داده‌اند که با ترویج آن در سطح منطقه، به‌دنبال کاهش معضل اسلام‌گرایی و کم‌رنگ نمودن مقوله هویت اسلامی است.

۲- لاینحل ماندن مسئله فلسطین

مسئله فلسطین مهم‌ترین و قدیمی‌ترین مسئله منطقه‌ای است که پس از نیم‌قرن، همچنان حل‌نشده باقی‌مانده و حتی رو به وخامت می‌رود. با توجه به سیاست‌های جاری اسرائیل و آمریکا، تمایل چندانی برای حل این مسئله، در کوتاه‌مدت و میان‌مدت قابل تصور نیست.

بررسی شرایط سیاسی کنونی حاکم بر منطقه خاورمیانه نیز حاکی از آن است که بیشترین روابط اقتصادی و فرهنگی از سوی کشورهای مهم اسلامی در منطقه مانند عربستان و مصر با جهان غرب و از جمله اصلی‌ترین حامیان اسرائیل، یعنی آمریکا و انگلیس، دارند و آمریکا نیز، با تسلط بر منطقه خاورمیانه، بیشترین بهره‌برداری سیاسی و اقتصادی را از آن خود کرده است.

به‌واقع، حضور آمریکا و انگلیس در خاورمیانه نه تنها بر روند صلح اعراب و اسرائیل تأثیر مثبت نداشته است، بلکه بر اغتشاش و تیرگی فضای سیاسی افزوده است و فقط بر جنایات اسرائیل سرپوش گذاشته است. چشم‌پوشی بر اقدامات ضدبشری اسرائیل و همسویی کشورهای منطقه با سیاست‌های غرب، موجب گردیده است که مسئله فلسطین با وجود گذشت بیش از شش دهه همچنان لاینحل باقی بماند.

۳- خط بطلان کشیدن بر کارآمدی اسلام سیاسی

برآورد تحولات فکری در جهان اسلام در دو قرن اخیر حاکی از آن است که تمایلات فرقه‌ای و عربی، ورود افکار و اندیشه‌های یونانی و فرهنگ غیراسلامی، الهام‌گیری از آموزش و جهان‌بینی غربی، آرمان‌های اسلامی را به انزوا کشانیده است و موجب این پندار شد که اسلام با دوره معاصر، سنخیت ندارد. چنین فضایی موجب گردید که تحصیل کرده‌ها در جوامع اسلامی غافل از داشته‌ها و اندوخته‌های غنی فرهنگ اسلامی خویش، کلید توسعه و حتی نجات جامعه را در اتخاذ علوم، ارزش‌ها و فلسفه غربی دیدند.

القای ناکارآمدی اسلام در اداره جامعه در سه دهه اخیر و پس وقوع انقلاب اسلامی با جدیت بیشتری از سوی غرب دنبال شده است و در این راه از تمامی ابزارهای موجود حتی توهین به مقدسات دینی، نظیر آنچه در ماجرای سلمان رشدی و در سایر موارد رخ داده است، بهره جسته‌اند.

در سده اخیر، جنبش‌های اسلامی حرکت‌هایی سازمان‌یافته بوده‌اند که خواهان جایگزینی وضع موجود بر اساس دستورات شرع اسلام در همه ابعاد فکری، اعتقادی، سیاسی و اجتماعی و از طریق شیوه‌های مسالمت‌آمیز و هم‌غیرمسالمت‌آمیز در جوامع اسلامی هستند. بنابراین، همه جنبش‌های اسلامی بر بازگشت به ارزش‌های دینی و احیای اسلام اصیل، به‌عنوان تنها راه برون‌رفت از بحران‌های جهان اسلام تأکید می‌کنند.

از این رو، حضور چشمگیر اسلام‌گرایان در تحولات بیداری اسلامی امری است که به هیچ‌عنوان قابل چشم‌پوشی نیست، اخذ آرای اکثریت در انتخابات پارلمانی و رئیس‌جمهوری مصر، پیروزی حزب اسلام‌گرای النهضة در تونس، افزایش حمایت از جریان حماس (به‌عنوان نماد مبارزه اسلام سیاسی)، در اکثریت قرار داشتن معترضین اسلام‌گرای بحرین و رشد گروه‌های اسلامی در سایر کشورها در این راستا قابل ذکر است. به‌باور صاحب‌نظران منطقه، اسلام نیرومندترین بنیان اجتماعی در خاورمیانه و آفریقای شمالی است و حکومت‌ها در برابر آن به خود می‌لرزند. اما آنچه اکنون و پس از گذشت سه سال از بیداری اسلامی قابل بررسی است آن است که خطر روی کار آمدن این جریان‌ها موجب تحرک دوچندان جبهه غربی با حمایت برخی اعراب شده است، تحرکی که در پی مقابله با گسترش نفوذ اسلام‌گرایی در سطح منطقه گام برمی‌دارد. تحت فشار قرار دادن دولت‌های اخوانی در سطح منطقه، به‌واسطه ابزارهای مالی اعراب حوزه خلیج فارس و کشورهای غربی، حمایت از جریان‌های سکولار در این کشورها و چشم‌پوشی بر اقدامات خسونت‌آمیز ارتش علیه اسلام‌گرایان از جمله سیاست‌های کلانسی است که در پی کشیدن خط بطلانی بر اسلام سیاسی در سطح منطقه است.

۴- طرح‌هایی برای تغییر بافت منطقه

فارغ از اختلاف‌های قومی‌نژادی و مذهبی، که در عمده کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به وضوح قابل مشاهده است، برنامه قدرت‌های بین‌المللی جهت تداوم منافع خویش و کنترل بیشتر در سطح منطقه بعضاً در گرو ایجاد برخی تنش‌های قومی مذهبی و نهایتاً تجزیه این کشورها نهفته است. نگاهی به طرح خاورمیانه بزرگ و طرح خاورمیانه جدید ایالات متحده بیانگر صحت مطلب فوق است. براساس طرح‌های فوق، بسط منافع واشنگتن در گرو برخی تغییرات ارضی و مرزی در منطقه است. آن‌ها، با ترسیم نقشه‌ای جدید، خواهان ایجاد برخی کشورهای جدید در سطح منطقه هستند. تجزیه منطقه براساس نقشه‌های آمریکا نه تنها به حصول تداوم منافع آن‌ها منجر شده است، بلکه زمینه امنیت بیشتر و تحمیل اسرائیل به خاورمیانه را مهیا خواهد کرد. به‌واقع، فروپاشی شوروی، گروه‌های افراطی را در جایگاه دشمن اصلی و جدید واشنگتن قرار داده بود.

۵- ترویج ملی‌گرایی و مقابله با تئوری وحدت مسلمین

باید قبول کرد که جهان اسلام، به‌ویژه از جهت فکری، یک‌دست نیست و این ناهمگونی، صرفاً از وجود فرق متعدد ناشی نمی‌شود؛ بلکه عوامل متعدد دیگری نظیر محدودیت‌های معرفتی، پیشینه تاریخی، زبان، نژاد، آداب و رسوم، جغرافیا و... نیز در این زمینه مؤثرند.

هرچند چالش مدرنیسم غربی چالشی اساسی برای تمدن اسلامی به‌شمار می‌رود، اما به تبع آن چالش‌های فرعی دیگری نیز در جهان اسلام رخ نموده است. نخستین چالش فرعی چالش تجزیه جهان اسلام به دولت‌ملت‌های کوچک در جهان اسلام است. هرچند اقدامات سیاسی و نظامی استعمارگران در تجزیه جهان اسلام نقش اساسی داشته است، اما مهم‌ترین چالش تمدن اسلامی ظهور ملی‌گرایی در جهان اسلام بوده است. اگر تجزیه سیاسی و نظامی جهان اسلام امری قهری بود و چندان بنیاد هویت اسلامی را هدف قرار نمی‌داد، اما ملی‌گرایی سبب تجزیه ماهوی جهان اسلام و به چالش کشیده شدن هویت اسلامی گردید. ملی‌گرایی خود از دستاوردهای دنیای مدرن غرب محسوب می‌شود و رواج آن در جهان اسلام سبب حاشیه‌ای شدن هویت اسلامی گردید. اگر در روزگار گذشته جهان اسلام حداقل دارای وحدت صوری بود و مسلمانان امت واحده اسلامی را تشکیل می‌دادند، ملی‌گرایی سبب اولویت قرار گرفتن هویت سرزمینی بر هویت اسلامی گردید و جهان یک‌پارچه اسلام از منظر عقیدتی، به قلمروهای هویتی مختلف تجزیه شد.

به واقع، دنیای استعماری غرب در جهان اسلام کوشید تا به منظور تضعیف بیشتر و شکستن وحدت جهان اسلام و در راستای سیاست ایجاد تفرقه به ترویج ملی‌گرایی پردازد و با برجسته ساختن هویت ملی در برابر هویت فراگیر و مشترک اسلامی، جهان اسلام را به خود مشغول کند و از اندیشه مقابله‌جویی با دشمن مشترک استعماری باز دارد.

۶- حکام کشورهای اسلامی

یکی از موانع در فراروی نهضت بیداری و احیای هویت اسلامی، حاکمان و سران کشورهای اسلامی است. اینان استقرار اسلام ناب را مغایر با منافع شخصی و حکومتی خود می‌پندارند. امام خمینی در این رابطه می‌فرماید: «مشکل مسلمین حکومت‌های مسلمین است. این حکومت‌ها هستند که مسلمین را به این روز رسانده‌اند...»

دولت‌های سکولار حاکم بر برخی کشورهای اسلامی، که مشروعیت دمکراتیک روشنی نیز ندارند، با فشار وارده جهت ایجاد دموکراسی فراگیر در کشورشان مخالفت می‌کنند. آن‌ها به غربی‌ها توصیه می‌کنند که به گسترش دموکراسی در کشورهای اسلامی، با دیده امنیتی نگاه کنند. این دولت‌ها احساس می‌کنند که سیاست‌هایی از قبیل گسترش فضای باز سیاسی، آنان را مجبور به مشارکت دادن دیگران از جمله گروه‌های اسلام‌گرا در لایه‌های قدرت می‌نماید و سلطه آنان را در ساختارهای امنیتی این کشورها محدود می‌کند. آن‌ها همچنین فکر می‌کنند که گسترش دموکراسی به تقویت نیروهای مخالف (اپوزسیون) می‌انجامد و برگزاری انتخاباتی که در آن پیروز نخواهند شد، همه به نوعی، آن‌ها را تهدید می‌کند. در جهان اسلام، این یک واقعیت است که جنبش‌های اسلام‌گرا غالباً منبع اصلی مخالفت سیاسی علیه رژیم‌های حاکم محسوب می‌شوند. این جنبش‌ها عموماً از نظر توده‌های مردم، دارای مشروعیت بیشتری نسبت به نخبگان حاکم یا دیگر احزاب سیاسی هستند و ریشه‌های عمیق‌تری دارند. تجربه نیز نشان داده است که در بسیاری از کشورهایی که تحت فشارها یا بحران‌های ناشی از نیروهای بین‌المللی قرار دارند یا کشورهایی که تحت سلطه استبداد داخلی قرار دارند، مردم به سوی جنبش‌های اسلامی گرایش می‌یابند.

۷- چالشی به نام دموکراسی غربی

در مقایسه مفهوم دموکراسی در تمدن غرب با مفهوم آن در تمدن اسلامی می‌توان اذعان داشت که در دموکراسی غربی، غلبه با انسان‌محوری و در اسلام، غلبه با خدا‌محوری است. در منطق اسلام، انسان به‌عنوان خلیفه خدا در زمین، نه می‌تواند قانون الهی را بسازد و نه می‌تواند آن را منسوخ کند، بلکه انسان، وظیفه دارد که حکومت الهی را در سایه قرآن و سنت و در مشورت با امت بر روی زمین مستقر کند [۱۲].

در نتیجه، حقوق بشر استنباط‌شده از دین اسلام، این حقوق را در چارچوب اراده الهی می‌بیند و در غرب، آن را در چارچوب اراده انسان و به تبع آن، مفهوم حقوق بشر در غرب، جنبه فردی به خود گرفته، درحالی‌که در اسلام به این حقوق در رابطه با جامعه نگریسته می‌شود.

بر پایه همین تفاسیر، عده‌ای از اندیشمندان معتقدند که از آنجایی که رابطه خدا و انسان، فرد و جامعه، شهروند و حکومت، آزادی و اختیار، حقوق و مسئولیت‌ها در تمدن اسلامی و غربی به طور بنیادین با هم تفاوت دارد، در نتیجه، برقراری دموکراسی غربی در کشورهای اسلامی دشوار است. در این میان، علما و اندیشمندان اسلامی معتقد بودند اگرچه روح سیاسی حاکم بر اسلام با دموکراسی سنخیت کمتری دارد، لکن این مسئله به معنای این نیست که حاکمیت اسلام در عرصه حکومت و سیاست همانند حاکمیت دین در قرون وسطی است. آن‌ها بر این باور بوده‌اند که اسلام، ظرفیت لازم برای برقراری نوع خاصی از دموکراسی را دارد که شاید بتوان آن را حکومت «توکراسی» نامید.

در دو دهه پایانی قرن بیستم، واکنش نیرومندی را در دنیای اسلام علیه این سکولاریسم غربی شاهد بودیم. در این میان، مجموعه‌ای از این جنبش‌های با هدف از بین بردن اصلاحات سکولاریستی و برچیدن قوانین وارداتی و آداب اجتماعی همراه آن و بازگشت به نص صریح اسلام در کشورهای اسلامی و برقراری یک نظم سیاسی اسلامی، از خود توانمندی فوق‌العاده‌ای را به

نمایش گذاردند. در سه کشور ایران، سودان و افغانستان، این نیروها به قدرت رسیدند و در تعدادی دیگر از کشورهای اسلامی نیز نفوذ فزاینده‌ای یافتند (نظیر پاکستان در دهه ۱۹۸۰) اما در دهه‌های اخیر، متأسفانه شاهد رسوخ و گسترش بیشتر سکولاریسم در جوامع مسلمان بوده‌ایم. دولت‌های سکولار و شبه‌سکولار در جهان اسلام کوشیده‌اند قدرت، مشروعیت و حتی محبوبیت خود را افزایش دهند و از این روند حمایت کرده‌اند [۱۳]. که این امر موجب خدشه به هویت اصیل اسلامی و جایگزینی فرهنگ غربی به جای آن خواهد شد، اگرچه قضاوت کشورهای غربی در مورد دموکراسی و انتخابات در جهان اسلام بعضاً مغایرت دارد؛ بدین معنا که اگر انتخابات، باعث حضور عناصر غرب‌گرا در رأس حاکمیت کشورهای جهان اسلام شود، از آن حمایت می‌کنند. در صورتی که اگر نیروهای مخالف سیاست‌های غرب در این کشورها به قدرت برسند، آن‌ها را تضعیف و تخطئه می‌کنند. در نظر برخی از آنان، اسلام‌گرایان همانند طرفداران احزاب کمونیست، ذاتاً ضددموکراتیک و عمیقاً ضدغربی هستند؛ به همین دلیل به محض به دست گرفتن قدرت توسط احزاب اسلام‌گرا، آن‌ها را تضعیف می‌کنند. نمونه‌های این رفتار دوگانه کشورهای غربی در انتخابات الجزایر در سال ۱۹۹۰ و انتخابات دولت خودگردان فلسطین در سال ۲۰۰۶ قابل مشاهده است [۱۴].

سیاست‌مداران غربی، اگرچه بعضاً از ظهور دموکراسی در جهان اسلام استقبال می‌کنند، ولی حاضر نیستند این فرآیند، دو محور عمده منافع آن‌ها در جهان اسلام، یعنی دستیابی به منابع انرژی و امنیت اسرائیل را تضعیف کند. از این رو، برخی سیاست‌مداران غربی برای جلوگیری از حضور اسلام‌گرایان در قدرت در دهه‌های اخیر، با چرخشی آشکار، بیش از آنکه بر مفهوم دموکراسی اتکا کنند، بر مفهوم حقوق بشر تکیه می‌کنند [۱۴].

بدین ترتیب، هر چه دموکراسی، همراه با بار معانی و مقاصدش، مربوط به تمدن غرب باشد، موجب تغییر شکل بنیادینی در جهان خواهد شد که به صورت ناخواسته، جوامع اسلامی را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و کشورهای اسلامی نیز در عبور از مرزهای توسعه‌نیافتگی و تحقق دموکراسی، ناچارند به جدایی دین از سیاست توجه داشته باشند [۱۵].

مؤلفه‌های مورد نیاز در تحقق تمدن نوین اسلامی

به نظر می‌رسد منتهی الیه رسیدن به این تمدن باور است و اگر نباشد باوجود تلاش‌های بسیار قطعاً این تمدن به بار نخواهد نشست. اگر باور این که شاه باید بیرون برود در مردم نبود حکومت اسلامی شکل نمی‌گرفت. تحلیل "ما می‌توانیم" نشان از باور تمدن‌سازی اسلامی در مرحله نظام اسلامی است. اگر روزگاری باور نمی‌کردیم می‌توانیم نظام "نه شرقی نه غربی" را ایجاد کنیم امروز انقلابی رقم نمی‌خورد. امام (ره) بعد از انقلاب به سرعت نظام اسلامی را نیز تشکیل داد و البته این امر در همه جای جهان شکل نمی‌گیرد مثلاً در مصر شاهدیم که انقلاب در مصر صورت گرفت ولی به نظام اسلامی منجر نشد. نظام جمهوری اسلامی با وجود مخالفت‌های زیاد با قدرت امام (ره) و روحیه مردم شکل گرفت که لازمه این امر باور امکان تحقق تمدن اسلامی بود. در زمانی هستیم که نظام غربی حتی بر نظام زندگی ما نیز تأثیرگذار است و هنوز الگوهای برای تمدن

اسلامی به وجود نیامده. باید در این مسیر راه را بشناسیم و قبل از طی این راه، دل‌های انسان‌ها سست می‌شود و برای جلوگیری از این امر باید برای شناخت راه تمدن اسلامی کاوش کرد. نقشه راه تمدن اسلامی یک امر مربوط به هزاره فعلی و جدید نیست، ما در راه و سیره انبیا در طول تاریخ سه فصل امت‌سازی، دولت‌سازی و تمدن‌سازی را بررسی کرده‌ایم و همچون کلیدواژه‌هایی همچون استقلال در قرآن نشان از این دارد که ایجاد تمدن اسلامی حائز اهمیت است. چالش‌های سیاسی حتی در زمان امت‌سازی پیامبر برای ایجاد تمدن اسلامی وجود داشت. دگرگونی بنیادی بر اساس همه ارزش‌ها در جامعه به وجود آمد، تعیین منبع تقنین و ارکان تصمیم‌گیری و مبنی هندسه الهی اراده ملی و الطاف خداوند، تشکیل روش و منش دولتمردان به گونه اسلامی و تأمین رفاه مادی توأم با عدالت اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی اسلام از جمله فرآیندی بود که برای رسیدن انقلابمان به تمدن اسلامی می‌بایست تلاش می‌شد. باید توجه داشت که این چهار مرحله در ایران اتفاق افتاده و کشورهای همسایه هم اگر می‌خواهند به تمدن نوین اسلامی دست پیدا کنند، انقلاب اسلامی الگوی برتر این راه است. رهبر معظم انقلاب در بیاناتشان فرمودند ما در تمدن اسلامی در مرحله سوم هستیم، هنوز به کشور اسلامی نرسیده‌ایم و هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که کشور ما کاملاً اسلامی است "با توجه به بیانات رهبری معلوم می‌شود که باید همه ما دغدغه رسیدن به تمدن اسلامی را داشته باشیم و تنها حرف زدن درباره این امر کافی نیست بلکه باید بررسی کرد در چه مرحله‌ای هستیم و برای دستیابی چه باید کرد. ما نمی‌توانیم بدون آن که به مرحله سوم و چهارم در ایجاد تمدن اسلامی برسیم و مابقی جهان اسلام را به این تمدن دعوت کنیم. ایران ظرفیت ساخت یک بلوک تمدنی مستقل را دارد و می‌تواند یک تمدن واحد را تشکیل دهد. ایران ۳۶ سال است که در پیشرفت و امنیت ولی اطراف آن دارای آشوب می‌باشند ایران در جزیره امنیتی است که در اطراف آن طوفان‌های شکل گرفته وجود دارد. ما متکی به اراده خود باید بتوانیم به مسلمانان جهان آمادگی بسترسازی برای ظهور امام زمان را بدهیم. اگر مسلمانان جهان آمادگی ظهور را نداشته باشند مردم ما باید زمینه‌ساز ظهور امام زمان شوند چرا که رهبر معظم نیز بر این تأکید دارند. اگر ما در این راه با استفاده از آن چهار مؤلفه نتوانیم تمدنی اسلامی را شکل دهیم، نمی‌توان دیگر کشورهای جهان را به این امر دعوت کنیم، اظهار داشت: ما مکلفیم که راه خود را ادامه دهیم بعد از گذشت ۳۶ سال با تمام پیشرفت‌ها هنوز مرحله سوم و چهارم را پشت نگذاشته چرا که سرعتمان مطلوب نیست و باید به این سمت شتابید. شاخص اعتقادی و اخلاقی، شاخص خدمت به خلق، شاخص عدالت، شاخص سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد، شاخص مسئله حکمت و فردگرایی در کارها و تکیه بر ظرفیت درون زایی کشور از جمله شاخص‌های بیان شده از سوی رهبر معظم انقلاب است. برای ساخت این شاخص‌ها، دولت‌ها نقش موثری دارند و دولت توانمند در این راه باید ساخته شود. در جامعه اسلامی استکبار برای همیشه وجود دارد ولی نظام اسلامی مستحکم در این مسیر خواهد ایستاد [۱۶].

نقش ایران در تحقق تمدن نوین اسلامی

«ام‌القری» دکترینی برای تبیین خط‌مشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و موقعیت ایران در جهان اسلام است که

اواخر دهه ۱۳۶۰ از سوی محمدجواد لاریجانی مطرح شد. این دکترین در راستای جمع بین منافع ملی و آرمان‌های مطرح شده پس از انقلاب اسلامی ایران مطرح گردیده است.

وی در تدوین استراتژی ملی جمهوری اسلامی ایران، توجه به ایران ام‌القری را در کنار امنیت (دفاع مؤثر) و آبادی (توسعه) یکی از ارکان مهم استراتژی ملی ایران می‌داند. براساس این نظریه، ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بدون تردید ام‌القرای جهان اسلام شده است، زیرا ایران پس از انقلاب با تشکیل حکومت اسلامی، دارای دو شأن رهبری مردم ایران و امت اسلامی گردید و همه مسلمانان وظیفه دارند ولایت و رهبری امام خمینی (ره) و جانشین ایشان را به‌عنوان رهبر امت واحد اسلامی بپذیرند.

به این ترتیب، حکومت ایران بایستی علاوه بر منافع ملی، به منافع جهان اسلام نیز بپردازد و دیگر کشورها نیز موظف‌اند از ایران به‌عنوان ام‌القرای جهان اسلام حمایت و دفاع کنند. از این رو، جمهوری اسلامی با توجه به مؤلفه‌های زیر می‌تواند در ایجاد یک تمدن نوین اسلامی نقش‌آفرینی کند.

منابع طبیعی: از نظر منابع طبیعی، کشورمان نخستین کشور دارای مجموع ذخایر انرژی در جهان است. همچنین ایران سومین ذخایر بزرگ شناخته‌شده نفت و دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد و نخستین رتبه جهانی در منابع روی، دومین رتبه جهانی در زمینه منابع مس، نهمین رتبه جهانی در معادن آهن، دهمین رتبه جهانی در معادن اورانیوم و یازدهمین رتبه جهانی در زمینه معادن سرب را داراست. به عبارت دیگر، ایران با داشتن یک درصد جمعیت جهان، بیش از هفت درصد منابع معدنی دنیا را در اختیار دارد [۷].

همین امر می‌تواند یکی از مؤثرین عوامل برای نقش‌آفرینی و قدرت ایران در منطقه و حتی جهان محسوب گردد، زیرا کشوری که منابع طبیعی کلانی در اختیار دارد، هم می‌تواند به منابع ثروت دسترسی داشته باشد و هم اینکه به همین لحاظ، ارتباطات گسترده‌ای را با کشورهای دیگر برقرار نماید.

عوامل نظامی: نیروی نظامی یکی از عناصر تشکیل‌دهنده قدرت ملی است. در این چارچوب، باید سلاح‌ها، کم‌وکیف افراد نظامی، تجهیزات جنگی، رهبری، بودجه نظامی، پایگاه‌ها، فنون نظامی، تحرک نیروها، امکانات تدارکاتی و لجستیکی مورد توجه قرار گیرند. آنچه مسلم است، عوامل نظامی را نباید به‌صورت یک متغیر مستقل مورد بررسی قرار داد، زیرا قدرت نظامی خود تحت تأثیر عوامل ایدئولوژیک، اقتصادی، روانی، ژئوپولیتیکی و... قرار می‌گیرد [۷].

جمعیت: امروزه جمعیت به‌عنوان یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر قدرت دولت‌ها شناخته می‌شود. البته جمعیت هم دارای ویژگی‌های کمی و کیفی از لحاظ وجود تخصص، تعداد نیروهای نظامی، میزان رشد و سطح سواد است. مثلاً امروزه کشور چین با جمعیتی بیش از یک میلیارد نفر، نسبت به کویت با جمعیت کمتر از سه میلیون، دارای قدرت تأثیرگذاری بیشتری بر سیاست بین‌المللی است. بنابراین ایران با توجه به جمعیت ۷۵ میلیونی خود، می‌تواند تأثیرگذار باشد.

ایدئولوژی و مذهب: جمهوری اسلامی ایران هویتی اسلامی دارد که مسئولیت‌ها و تکالیف فراملی مختلفی را در چارچوب

نقش‌هایی متعدد، برای آن ایجاب و ایجاد می‌کند. بر این اساس، نقش‌های ملی جمهوری اسلامی عبارت‌اند از: مدافع اسلام و تشیع، عامل ضدامپریالیست، ضداستکبار، ضدصهیونیست، حامی مستضعفان و رهبر جهان اسلام. از این منظر، این عامل را می‌توان یکی از مؤلفه‌های نرم قدرت ملی ایران دانست که می‌تواند در ایجاد یک تمدن اسلامی مؤثر واقع گردد.

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری یک تمدن اسلامی نوین، مستلزم دو امر اساسی می‌باشد: اولی ایجاد وحدت در جهان اسلام؛ جهان اسلام نیازمند توسعه وحدت و همدلی است و این وحدت نباید فقط یک امر سیاسی و بین دولت‌ها باشد، بلکه با توجه به شرایط نامطلوب حاکم بر اغلب دولت‌های کشورهای مسلمانان، باید با کمک پایگاه‌های سنتی و انجی‌اوها، وحدت و همدلی در میان ملت‌های اسلامی گسترش یابد و از ترویج هر نوع فکر و رفتار تنش‌زا و اختلاف‌آفرین جلوگیری شود. دومی معرفی تمدن نوین اسلامی به غرب؛ کشورهای اروپایی و غربی با استفاده از ابزارهای قدرتی که در اختیار دارند، فرهنگ و تمدن اصیل شرقی را نادیده گرفته و سعی در ایجاد تصویری از فرهنگ و تمدن غرب به‌عنوان فرهنگ اصیل انسانی دارند؛ حال آنکه تاریخ و تمدن آن‌ها در مقابل تمدن اسلام و به‌طور کلی تمدن شرقی، حرف‌های زیادی برای گفتن ندارد. اما شناساندن تمدن و تاریخ درخشان اسلام و همچنین دستاوردهای آن، مستلزم ایجاد یک تمدن اسلامی قدرتمند است. بیداری اسلامی در منطقه، حادثه مهمی است که در صورت مدیریت صحیح، می‌تواند در تغییر نگاه مسلمانان به دنیا و ایجاد منافع مشترک بین آن‌ها مؤثر واقع گردد. لذا چالش‌های اشاره شده فوق همچنان باقی است و جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان ام‌القرای کشورهای اسلامی، باید در جهت رفع آن‌ها و هموار نمودن این مسیر، تلاش نماید. عظمت و اقتدار مسلمان‌ها و تمدن اسلامی باید از همان نقطه‌ای آغاز شود که در آن نقطه متوقف شد و درهم شکست. این نقطه، پیشرفت علم و حکمت در پرتو آزادی تفکر و اندیشه بود. تمدن اسلامی زمانی در خلافت عباسیان رشد کرد که جنبش علمی آغاز شد. و دولت مسلمان عثمانی در برابر غرب و اروپای مسیحی زمانی شکست خورد که دنیای غرب در عرصه‌های مختلف فکری، سیاسی، فرهنگی، صنعتی، اقتصادی و نظامی پیشی گرفت. اگر نهضت اسلامی یا جریان‌های اسلام‌گرایی در صدد بازگشت به اقتدار و عظمت پیشین هستند راه این اقتدار از تحول در فکر و اندیشه میگذرد، نه از جمود و تحجر و نه از تکفیر و انتحار. اثبات برتری و حقانیت هر اندیشه و ایدئولوژی با خون و خشونت در واقع نمایشی از ناکامی و شکست است. برتری و حقانیت را باید با ایجاد تمدن برتر و نظام بهتر در جهان بشریت نشان داد. کم تحمل بودن در رسیدن به نتیجه مطلوب: گروه‌های مرجع در این زمینه وظیفه دارند با آگاه ساختن بدنه جامعه و توده مردم از این موضوع، انتظارات و توقعات آنان را نسبت به این جریان واقعی ساخته و با تشریح وضعیت موجود و اهداف و آرمان‌های مطلوب جامعه تمدن نوین اسلامی از سرخوردگی و ناامیدی مردم جلوگیری کنند. بدیهی است در این راه می‌بایست در برابر شبهه افکنی‌ها و تلاش‌هایی که مخالفان و گروه‌های رقیب، از آمادگی کافی ذهنی و فکری برخوردار باشند [5].

انحراف از مسیر و ماهیت سیاسی و غیر دینی برخی از جنبش‌ها: دقت در تطابق فعالیت‌ها و اهداف با مبانی اسلامی و نیز

شناساندن رهبران و مجریان حرکت‌ها پیش از رسیدن به مراحل نهایی.

فرهنگ مهاجم غربی: متفکران و اندیشمندان حوزه تمدن نوین اسلامی می‌بایست با ارائه راهکارها و روشنگری در میان مردم و همچنین تلاش در معرفی اهداف و نتایج پنهان فرهنگ‌های مهاجم غربی و آثار و نتایج مخرب آن تلاش نمایند تا این چالش جدی تبدیل به فرصت‌های مغتنمی برای هدایتگری بیشتر در جامعه گردد. بهره‌گیری مناسب و به روز از همان ابزارهایی که در روند تهاجم فرهنگی مورد استفاده غرب قرار می‌گیرد از جمله ماهواره و اینترنت در جهت مقابله با آن از راهکارهای مناسبی است که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

اختلاف افکنی در میان مسلمانان: راهکار اصلی در فرهنگ سازی و روشنگری در میان جوامع مسلمان است. این وظیفه می‌بایست توسط دولتمردان از یک سو و از سوی دیگر توسط اهل فکر و فرهنگ و متفکران و اندیشمندان و رهبران دینی انجام پذیرد [۱۱].

طغیان مادی نگری در تفکر جامعه: بازخوانی و یادآوری تعالیم و دستورات دین مبین اسلام در این حوزه و بیان شیوا و در زبانی قابل پذیرش و امروزی از سوی رهبران فکری و فرهنگی جامعه و تلاش برای گسترش روحیه تعاون و همیاری در میان مسلمانان و اجرای درست احکام و قواعد اقتصادی اسلام نظیر احکام تجارت، خمس و زکات مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان: فراهم ساختن زمینه‌های مناسب جهت فعالیت صحیح اقتصادی، جلوگیری از سو استفاده‌های مالی در میان گروه‌های مرجع، مبارزه با مظاهر آشکار فقر و زدودن آن از چهره جامعه عدم توجه به عقلانیت دینی: ارائه الگوهای برجسته تفکر صحیح عقلانی بر پایه اصول و مبانی دینی پرداخت و نخبگان و اندیشمندان اسلامی را به سوی این مسیر روانه نمود.

انحراف و کج فهمی در گروه‌های مرجع: برای مقابله با این مانع می‌بایست اقدام به اعتلا و بالا بردن وضعیت آموزش و پرورش و حوزه تحصیلات تکمیلی و اهمیت قائل شدن به این حوزه نمود. با آموزش صحیح مبانی فکری و فرهنگی و تامین تهیه کتب و منابع آموزشی به ویژه در حوزه علوم انسانی از انحراف در گروه‌های مرجع و از غرب زدگی آنان جلوگیری نمود و به تبع آن هدایت صحیح مخاطبان گروه‌های مرجع که عموم مردم جامعه هستند دست یافت [۱۷].

منابع

- ۱- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۱). انقلاب‌های متعارض معاصر. تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۲- ازرگان، عباس؛ سرمد، زهره و حجازی، الهه (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران. انتشارات آگاه.
- ۳- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۴). نظریه برخورد تمدن‌ها. ترجمه مجتبی امیری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۴- مدنی بجستانی، محمد (۱۳۷۴). مقابله با تهاجم فرهنگی. قم. دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۵- رضایی، عبدالعلی (۱۳۸۶). مهندسی تمدن اسلامی (الزامات و موانع). چاپ اول. قم. انتشارات فجرولایت.
- ۶- براتلو، فاطمه و صنایع، محمد (۱۳۸۸). درآمدی بر سرمایه اجتماعی بر پایه عقلانیت دینی نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، شماره ششم.

۷. باشگاه خبرنگاران جوان (۱۳۹۲). بیش از ۷ درصد منابع معدنی دنیا در ایران، سایت باشگاه خبرنگاران جوان، 25 فروردین: <http://www.yjc.ir/fa/news/4338585/>
۸. -مددپور، محمد (۱۳۷۷) زندگی در برزخ تمدن غربی و تمدن اسلامی. کتاب نقد. شماره ۵ و ۶.
۹. نقوی، علی محمد (۱۳۶۳). جامعه شناسی غرب گرای. تهران. انتشارات امیرکبیر.
۱۰. ولایتی، علی اکبر (۱۳۷۸). بحران‌های هویت تاریخی. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. موثقی، سید احمد (۱۳۷۱). استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام. چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۲. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۹). حقوق بشر در اسلام و غرب. ماهنامه اسلام و غرب. شماره ۱۴، ۱۳۷۹
۱۳. چریل، بنارد (۱۳۸۴). اسلام دموکراتیک مدنی رویکرد آمریکایی. ترجمه عسگر قهرمان پور، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
۱۴. فواز، جرجیس (۱۳۸۲). آمریکا و اسلام سیاسی. ترجمه محمد سروریان، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۵. فیلالی انصاری، عبدو (۱۳۸۰). اسلام و لایسیتته. ترجمه امیر رضایی. تهران. قصیده سرا
۱۶. خبرنگار احزاب و تشکل‌های باشگاه خبرنگاران، حجت الاسلام و المسلمین تفتی معاون راهبردی سپاه پاسداران در اختتامیه ۱۹ مین اردوی اتحادیه اسلامی دانشجویان.
۱۷. تمدن نوین اسلامی (۱۳۹۱). مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، جمعی از مؤلفان زیر نظر حسین خیری، چاپ اول، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.